

## **The Effect of Globalization on the Policy-Making Function of National Identity of States and Solutions**

**Majid Abbaszadeh Marzbali\***

### **Abstract**

Globalization is a process that has transformed the world in different dimensions since the middle of the 20th century, so that as a result, different regions, countries and people have become more dependent and influential on each other. The aforementioned process, with the changes it has brought in various fields, has affected the structure and functions of states, including their policy-making functions, so that states no longer have the absolute authority and authority that they had previously in the field of The policymakers were privileged, they are not benefited, and they cannot do this without considering the effects of globalization and its factors. The basic point here is that one of the important areas of states policy that has been affected by globalization is policy in the field of national identity. National identity is one of the important fields that governments always try to adopt policies to manage and protect. In the past, the function of identity formation was the sole responsibility of states, but today, as a result of the globalization process, states have lost their absolute control over the process of policy-making of national identity and are influenced by subnational and transnational factors. But with all this, due to the fact that the states are still the main players in the domestic arena, they can face the challenges ahead by carrying out appropriate policies in the field of national identity. Focus on their national identity in the era of globalization and prevent the emergence of national identity crisis in the society.

**Keywords:** Policy-Making, National Identity, Globalization, State, National Identity, New Identity References.

\* Ph.D. Candidate of Political Science, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran,  
m.a.marzbali@gmail.com

Date received: 29/06/2023, Date of acceptance: 27/12/2023





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## تاثیر جهانی شدن بر کارکرد سیاست‌گذاری هویت ملی دولت‌ها و راهکارهای پیش‌روی آنها

مجید عباس‌زاده مرزبالی\*

### چکیده

جهانی شدن فرایندی است که از نیمه قرن بیستم به بعد، دنیا را در ابعاد مختلف دچار تحول ساخته است، به طوری که در نتیجه آن، مناطق، کشورها و افراد مختلف وابستگی و تاثیرپذیری بیشتری نسبت به یکدیگر پیدا کرده‌اند. فرایند مذکور با تحولاتی که در حوزه‌های مختلف به ارمغان آورده، بر ساختار و کارکردهای دولت‌ها از جمله کارکرد سیاست‌گذاری آن‌ها تاثیر گذاشته است، به طوری که دولت‌ها دیگر از اختیار و اقتدار مطلقى که پیش از این در زمینه سیاست‌گذاری برخوردار بوده‌اند، بهره‌مند نیستند و نمی‌توانند بدون توجه به تاثیرات جهانی شدن و عوامل آن به این امر پردازند. نکته اساسی در اینجا این است که یکی از حوزه‌های مهم سیاست‌گذاری دولت‌ها که از جهانی شدن تاثیر پذیرفته، سیاست‌گذاری در حوزه هویت ملی است. هویت ملی یکی از عرصه‌های مهمی است که حکومت‌ها همواره درصدد اتخاذ سیاست‌هایی جهت مدیریت و صیانت از آن می‌باشند. در گذشته کارکرد هویت‌سازی تنها برعهده دولت‌ها بود، اما امروزه در نتیجه فرایند جهانی شدن، دولت‌ها کنترل همه‌جانبه خود بر فرایند سیاست‌گذاری هویت ملی را از دست دادند و از عوامل فراملی و فراملی تاثیر می‌پذیرند. به عبارتی دیگر جهانی شدن با کمک به شکل‌گیری هویت‌های فراملی و تقویت هویت‌های فراملی (قومی) در بسیاری از جوامع توانسته است بر فرایند سیاست‌گذاری هویت ملی تاثیر گذاشته و زمینه‌ی بروز بحران هویت ملی را فراهم نماید. اما باتمام این‌ها، به دلیل این‌که دولت‌ها همچنان اصلی‌ترین بازیگران عرصه داخلی می‌باشند، می‌توانند با انجام سیاست‌گذاری مناسب در حوزه هویت ملی، به مقابله با چالش‌های پیش‌روی هویت ملی‌شان در عصر جهانی شدن پردازند و از بروز بحران هویت ملی در جامعه جلوگیری نمایند.

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، m.a.marzbali@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۶



**کلیدواژه‌ها:** سیاست‌گذاری هویت ملی، جهانی‌شدن، دولت، هویت ملی، مراجع جدید هویتی.

## ۱. مقدمه

جهانی‌شدن فرایندی است که از نیمه قرن بیستم به بعد، دنیا را در ابعاد مختلف دچار تحول ساخته به طوری که در نتیجه‌ی آن، مناطق، کشورها و افراد مختلف وابستگی و تاثیرپذیری بیشتری نسبت به یکدیگر پیدا کرده‌اند. این فرایند با تحولاتی که در حوزه‌های مختلف به ارمغان آورده، بر ساختار و کارکردهای دولت‌ها از جمله کارکرد سیاست‌گذاری آن‌ها تاثیر گذاشته است به طوری که دولت‌ها دیگر از اختیار و اقتدار مطلق‌ی که پیش از این در زمینه سیاست‌گذاری برخوردار بوده‌اند، بهره‌مند نیستند. تغییرات ناشی از فرایند جهانی‌شدن موجب شده است که این کارکرد دولت‌ها تا حد زیادی دگرگون شود و آن‌ها در این زمینه مجبور به در نظر گرفتن روندها و متغیرهای خارج از اراده‌ی خود باشند. به عبارتی دیگر، امروزه دیگر دولت‌ها تنها بازیگران صحنه سیاست داخلی نمی‌باشند و نمی‌توانند بدون توجه به تاثیرات و تحولات ناشی از جهانی‌شدن و نقش عوامل فروملی و فراملی به امر سیاست‌گذاری بپردازند. نکته‌ی اساسی در اینجا این است که یکی از حوزه‌های مهم سیاست‌گذاری دولت‌ها که از فرایند جهانی‌شدن تاثیر پذیرفته است، سیاست‌گذاری در زمینه‌ی هویت ملی می‌باشد.

هویت ملی یکی از عرصه‌های مهمی است که دولت‌ها همواره درصدد اتخاذ سیاست‌هایی جهت مدیریت و صیانت از آن می‌باشند. اهمیت این هویت به دلیل نقش آن در ایجاد وحدت و همبستگی ملی در کشور و کمک به دست‌یابی جامعه به امنیت، ثبات و توسعه می‌باشد و این موضوع، حکومت‌ها را ملزم به توجه جدی به این حوزه راهبردی کرده و از این رو سعی می‌کنند تا با اتخاذ سیاست‌هایی به تقویت و تحکیم هویت ملی بپردازند. به طور کلی در گذشته کارکرد هویت‌سازی تنها برعهده (در اختیار) دولت‌ها بود و مرزهای هویتی به واسطه تلاش‌های پایدار دولت‌ها از مرزهای ملی فراتر نمی‌رفت و هرگونه فرهنگ و هویت فروملی و فراملی نوعی ناهنجاری و یا بحران قلمداد می‌شد. از این رو دولت‌ها در فضایی نسبتاً بسته، انحصاری و امن به امر سیاست‌گذاری در زمینه هویت ملی می‌پرداختند. اما نکته اساسی از دیدگاه پژوهش حاضر این است که امروزه فرایند جهانی‌شدن با نفوذپذیرکردن مرزهای ملی و رهاکردن امر اجتماعی از بستر مکانی، زمینه‌ی جدایی جامعه و روابط فرهنگی و اجتماعی از دولت‌ها را فراهم کرد، که این شرایط توانسته است کارایی آن‌ها را در حوزه سیاست‌گذاری هویتی کاهش دهد، به طوری که دیگر نمی‌توانند به‌مانند گذشته به این امر بپردازند.

تأثیر جهانی شدن بر کارکرد سیاست‌گذاری هویت ... (مجید عباس‌زاده مرزبالی) ۱۲۷

با تمام اینها، مقاله بر این باور است که جهانی شدن علی‌رغم تأثیرگذاری بر دولت‌ها و کارکردهای‌شان، نتوانسته است آن‌ها را از عرصه‌های داخلی و بین‌المللی حذف کند و بنابراین دولت‌ها همچنان تنظیم‌کننده‌ی اصلی روابط انسانی در سطح داخلی می‌باشند و می‌توانند با انجام سیاست‌گذاری مناسب و کارآمد در حوزه‌ی هویت ملی، به مقابله با چالش‌های پیش‌روی این هویت در عصر جهانی شدن بپردازند و از بروز بحران هویت ملی در جامعه جلوگیری نمایند.

با توجه به آنچه بیان شد، سئوالات مقاله عبارتند از:

الف. جهانی شدن چگونه بر فرایند سیاست‌گذاری دولت‌ها در حوزه هویت ملی تأثیر گذاشته است؟

ب. دولت‌ها با اتخاذ چه رویکردها و سیاست‌هایی می‌توانند به مقابله با چالش‌های پیش‌روی هویت ملی‌شان در عصر جهانی شدن بپردازند؟  
فرضیه‌های مقاله نیز بدین ترتیب می‌باشند:

الف. جهانی شدن با کمک به ایجاد هویت‌های فراملی و تقویت هویت‌های فروملی (قومی) از طریق ابزارهای خود به‌ویژه فضای مجازی، کارایی و اختیار دولت‌ها را در حوزه سیاست‌گذاری هویت ملی کاهش داده است، به‌طوری‌که آن‌ها دیگر نمی‌توانند مانند گذشته و در فضایی انحصاری به این کار بپردازند؛ این وضعیت زمینه‌ی بروز بحران هویت ملی را در بسیاری از جوامع فراهم نموده است.

ب. دولت‌ها علی‌رغم تأثیرپذیری از جهانی شدن، به‌عنوان تنظیم‌کننده‌ی اصلی روابط انسانی در سطح داخلی می‌توانند با اتخاذ رویکردها و سیاست‌هایی چون: مواجهه‌ی منطقی با فرایند جهانی شدن، بهره‌گیری مناسب از امکانات فضای مجازی، توجه یکسان به ابعاد و گرایش‌های مختلف هویتی، توجه به نقش تمامی نهادهای موثر در سیاست‌گذاری هویت ملی و فراهم نمودن زمینه‌های مشارکت موثر اعضای جامعه در فرایند سیاست‌گذاری هویت ملی، به مقابله با چالش‌های پیش‌روی هویت ملی‌شان در عصر جهانی شدن بپردازند.

لازم به ذکر است که در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده شده است.

## ۲. چیستی هویت ملی

مفهوم هویت عبارت از مجموعه خصوصیات و مشخصات فردی و اجتماعی و احساسات و اندیشه‌های مربوط به آن‌ها می‌باشد. فرد این خصوصیات را از طریق توانایی کنش متقابل با خود و یافتن تصوراتی از خود به دست می‌آورد و به سوال «من کیستم؟» پاسخ می‌دهد (خدایی و مبارکی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). هویت در سطوح بالاتر به مفهوم هویت جمعی نیز قابل رویت است (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۶). هویت جمعی، مجموعه ویژگی‌هایی است که در تعداد معینی از افراد وجود دارد، باعث ایجاد «ما» می‌شود و آن‌ها را از «دیگران» متمایز می‌کند (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۲۵). در میان هویت‌های جمعی، هویت ملی مهم‌ترین و عالی‌ترین آن‌ها می‌باشد. «هویت ملی پیرامون مفهوم ملت شکل گرفته است؛ ملت به گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود که دارای سرزمین خاص، فرهنگ و زبان مشترک و تاریخ خود هستند و از نهاد سیاسی دولت و شناسایی بین‌المللی نیز برخوردارند» (احمدی، ۱۳۹۰: ۸۰).

هویت ملی در یک عبارت کلی به معنای آگاهی و احساس تعلق خاطر افراد جامعه نسبت به اجتماع ملی و عناصر سازنده‌ی آن از قبیل تاریخ مشترک، دین مشترک، فرهنگ مشترک و ... می‌باشد. «هویت ملی در این معنا به عنوان «آگاهی از تفاوت» و «احساس و شناسایی ما از آنها» شناخته می‌شود» (احمدپور و سراج‌زاده، ۱۳۹۸: ۶). به‌طورکلی «تاکید بر تمایز ملت خود از ملت‌های دیگر، اعتقاد به ویژگی‌های خاص و مثبت ساکنان سرزمین خودی و تمایل به انجام کنش یا دفاع از منافع ملت در مقابل ملت‌های دیگر، از جمله مظاهر هویت‌یابی ملی به‌شمار می‌آیند» (کریمی مله، ۱۴۰۲: ۱۳۴).

در تاریخ بشری می‌توان از دو نوع هویت ملی به معنای حس ملی نام برد:

۱. هویت ملی مدرن، یعنی احساس تعلق به دولت‌های مدرن که از قرون پانزدهم به بعد در عرصه اروپا و بعدها در سایر نقاط جهان پیدا شدند، و ۲. هویت ملی پیشامدرن، یعنی احساس تعلق به واحدهای سیاسی و سرزمینی کهنی که از دوران گذشته وجود داشته، تداوم پیدا کرده و امروزه نیز به همان نام وجود دارند، مانند ایران، چین، مصر و .. (احمدی، ۱۳۹۰: ۶۵).

در رابطه با هویت ملی باید به دو نکته‌ی اساسی توجه داشت؛ نخست این‌که،

هیچ ملتی بی‌نیاز از داشتن هویت ملی نیست، چراکه هویت ملی هم عامل همبستگی و شکل‌گیری روح جمعی در یک ملت و هم وجه مشخصه و معرفه آن در میان ملل دیگر

تأثیر جهانی شدن بر کارکرد سیاست‌گذاری هویت ... (مجید عباس‌زاده مرزبالی) ۱۲۹

است و دوام و قوام زندگی توأم با عزت و آزادی آنان و رمز تداوم و بقای جامعه ملی شان به آن بستگی دارد (ربانی، ۱۳۸۱: ۸۹؛ صالحی امیری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

دیگر این‌که، «هویت ملی پدیده یا امری ثابت و تغییرناپذیر نیست و همواره بر اثر عوامل مختلف در معرض تحول و دگرگونی می‌باشد. بنابراین این هویت در زمان‌های مختلف، معانی و ترکیبات گوناگون پیدا می‌کند» (اشرف، ۱۳۹۵: ۲۱؛ اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۲).

### ۳. چستی سیاست‌گذاری هویت ملی

مدیریت و اداره کشور نیازمند سیاست‌هایی است که مدیران سیاسی را در برآوردن نیازها و تأمین اهداف یاری رسانند. از این‌رو سیاست‌گذاری امری مهم و مرحله‌ی محوری در فرایند سیاسی تلقی می‌شود. منظور از سیاست‌گذاری، تعیین، تدوین و ارائه ضوابط و موازینی است که در آن اراده کلی دولت اعمال و مصالح جمعی ملت تأمین می‌شود. فرایند سیاست‌گذاری شامل مراحل متعددی است؛ اولین مرحله طرح یک موضوع به‌عنوان مسئله و مشکل است. مرحله‌ی بعدی، قرارگرفتن مسئله در دستور کار سیاست است. قانون‌گذاری، اجرا و بازنگری، رسیدگی حکومت به مسئله و تصمیم‌گیری حکومت مراحل دیگر آن را شکل می‌دهد (سینائی و زمانی، ۱۳۹۰: ۷۰-۶۹). سیاست‌گذاری در سه سطح خرد، زیرسیستمی یا فرعی و کلان انجام می‌شود که سیاست‌گذاری هویت ملی در سطح کلان قرار می‌گیرد، زیرا سیاست کلان شامل اجتماع به‌عنوان یک کل می‌شود و موجودیت و منافع عمومی وسیعی را لحاظ می‌کند (کریمی (مله) و پارسا، ۱۳۹۸: ۹).

از آن‌جا که هویت ملی بن‌مایه‌ی تکوین و تداوم جوامع انسانی می‌باشد، بنابراین از اهمیت ویژه‌ای برای دولت‌ها برخوردار است. مانایی واحدهای سیاسی از رهگذر اتخاذ تدابیر مناسب برای ایجاد احساس تعلق اعضای آن به هویت ملی و عناصر آن میسر می‌شود و به‌دلیل این‌که صورتبندی نیروی انسانی جوامع درجات مختلف تنوع هویتی را می‌نمایاند، لذا عرصه‌ی هویت ملی مشمول سیاست‌گذاری واقع می‌شود. به‌طورکلی سیاست‌گذاری هویت ملی مجموعه‌ی تدابیر و برنامه‌هایی است که نظام تصمیم‌گیری برای تعریف و شکل‌دهی به هویت ملی و آفرینش مای جمعی ملی در جامعه اعمال می‌کند (کریمی (مله) و پارسا، ۱۳۹۸: ۴ و ۱۳).

دولت‌ها بنا به سرشت خود که همانا دست‌یابی به قدرت و اعمال آن از مجرای تنظیم امور سیاسی است، تنها به حوزه سیاست و اقتصاد بسنده نکرده و به حوزه‌های فرهنگ و هویت نیز وارد می‌شوند. به‌عبارتی دولت‌ها بنا به ماهیت خود از ظرفیت و قدرت کافی برای

سیاست‌گذاری هویتی برخوردارند. آن‌ها همواره تلاش داشته‌اند تا هنجارها و ارزش‌های جوامع خود را شکل دهند (ذکائی و شفیع، ۱۳۸۹: ۷۸ و ۸۷؛ Brewer & Yuki, 2007: 317; Kenny, 2004). سیاست‌گذاری هویت ملی به‌عنوان سازوکار اصلی هماهنگی و کنترل اجتماعی و پاسداری از استواری سیاسی، برای نظام‌های سیاسی حائز اهمیت می‌باشد (کریمی (مله) و پارسا، ۱۳۹۸: ۱۰). نکته‌ی اساسی این که، این نوع سیاست‌گذاری تابعی از ماهیت و پایگاه نظام سیاسی، الگوها و آرمان‌های سیاسی-ایدئولوژیک، قوانین مدون و غیرمدون و سیاست‌های عملی است (نظری و سازمند، ۱۳۹۰: ۳۱۶).

به‌طور کلی سیاست‌گذاری هویت ملی باعث می‌شود که این هویت در سطح جامعه تکوین یافته و منظومه شخصیت، منش و خودآگاهی ملی سامان یابد و اعضای جامعه با مفاهیمی مانند هستی و موجودیت جمعی، احساس تعلق و پیوند جمعی و اصالت و اعتبار تاریخی آشنا شوند. به‌عبارتی، سیاست‌گذاری هویت ملی سعی می‌کند بسترهای شناخت نسبت به هویت ملی و عناصر و مبانی آن را در جامعه فراهم کرده و سپس الگوهای کنش هم‌دلانه و وفادارانه در قبال آن را سامان دهد (کریمی (مله) و پارسا، ۱۳۹۸: ۱۳).

#### ۴. چیستی جهانی‌شدن

جهانی‌شدن پدیده‌ای است که توانسته بر عرصه‌های گوناگون زندگی بشری در جوامع مختلف تاثیر بگذارد، به‌طوری‌که امروزه هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون توجه به آن به حیات و پویایی خویش ادامه دهد.

در خصوص تاریخچه پیدایش این پدیده، برخی معتقدند که جهانی‌شدن فرایندی است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و در هر دوره‌ای مسیری را طی کرده است. عده‌ای آغاز این پدیده را با آغاز نظام سرمایه‌داری در قرن شانزدهم و شروع استعمار همزمان می‌دانند، و گروهی دیگر نیز جهانی‌شدن را پدیده‌ای جدید و تداوم مدرنیته می‌دانند، به‌گونه‌ای که در دهه‌های پایانی قرن بیستم مطرح و به‌شدت طی مدت‌زمان کوتاهی اوج گرفت (حق‌شناس، ۱۳۹۳: ۱۳؛ میرمحمدی، ۱۳۸۱: ۷۸).

از میان دیدگاه‌های فوق، پژوهش حاضر، با دیدگاه آخر هم‌نظر بوده و جهانی‌شدن را به مثابه یک پروسه و امتداد مدرنیته و جهان‌گیرشدن شاخصه‌های آن می‌داند.

جهانی‌شدن را در یک عبارت کلی می‌توان فرایندی دانست که دنیا را به‌لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دچار تغییر و تحول ساخته، به‌طوری‌که در نتیجه‌ی شکل‌گیری و



تأثیر جهانی شدن بر کارکرد سیاست‌گذاری هویت ... (مجید عباس‌زاده مرزبالی) ۱۳۱

گسترش آن، مناطق، کشورها و افراد مختلف وابستگی بیشتری به یکدیگر پیدا کرده‌اند و هرگونه تغییر و تحولی در گوشه‌ای از جهان، مناطق، کشورها و افراد دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ر.ک: رابرتسون، ۱۳۸۲؛ گیدنز، ۱۳۷۷؛ واترز، ۱۳۷۹). در اغلب تعاریفی که از سوی صاحب‌نظران درباره جهانی شدن ارائه شده است، دو نکته‌ی مشترک مشاهده می‌شود: نخست این‌که، جهانی شدن به منزله‌ی افزایش پیوندها و ارتباطات متقابل است که فراتر از دولت‌ها و جوامع گسترش می‌یابد و نظام جدید جهانی را شکل می‌دهد و دوم این‌که، جهانی شدن به معنای تأثیرگذاری مسائل و عوامل فرامرزی بر دولت - ملت‌ها و برقراری استانداردها و معیارهای یکسان در بسیاری از ابعاد است (حق‌شناس، ۱۳۹۳: ۱۲).

نکته مهم در اینجا این است که،

اگرچه موتور اصلی جهانی شدن را دموکراسی‌های ثروتمند نیم‌کره شمالی تشکیل می‌دهند و گرچه در چنین فرایندهایی ساختارهای نابرابری در سطح جهانی به انحاء گوناگون بازتولید می‌گردند، لیکن به این دلیل نباید پیامدهای مثبت جهانی شدن را نادیده گرفت و یا آن‌ها را در پرتو برخی پیامدهای منفی ناچیز انگاشت (بشیریه، ۱۳۸۳: ۶۵۶).

البته به دلیل حضور جدی و تأثیرگذار کشورهای غربی و توسعه‌یافته در رخدادهای مؤثر بر جهانی شدن، مسیر رشد این پدیده سازگاری و همخوانی بیشتری با ایده‌ها و خواسته‌های آن‌ها دارد (شهرام‌نیا، ۱۳۸۶: ۵۴).

جهانی شدن دارای تأثیرات اساسی در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است: در بعد اقتصادی، چالش اساسی در امر جهانی شدن این است که الگوی اقتصاد بازار آزاد، به کشورهای راه می‌یابد که ساختارهای موجود اساساً از توان تاریخی، اجتماعی و روانی لازم برخوردار نیستند تا بتوانند وسایل رقابت آزاد فردی آگاهانه و تقلیل نقش دولت به طریق موزون در اقتصاد را درک کرده و متحقق کنند (شهرام‌نیا و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۲۲). در بعد سیاسی، جهانی شدن موجب شده تا رابطه سنتی میان کارآمدی، مشروعیت، استقلال و اقتدار مختل گردد به طوری که امروزه در بسیاری از جهات کنترل موثر دولت‌ها بر فرایند سیاست‌گذاری رو به کاهش گذاشته است (قوام، ۱۳۸۲: ۴۱). در واقع جهانی شدن به دلیل تولید بازیگران بی‌شمار غیردولتی و فراملی، رقابت پیچیده‌ای را برای دولت‌ها ایجاد کرده و بر حاکمیت آن‌ها تأثیر گذاشته است (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۸: ۲۳۰) و در بعد فرهنگی نیز «جهانی شدن توان دولت‌ها را در ترویج الگوی فرهنگی و هنجاری خاص در جامعه و اجبار نمودن افراد به شیوه خاصی از زندگی و جلوگیری از نفوذ فرهنگ‌های دیگر به درون کشور به حداقل رسانده است»

(حق شناس، ۱۳۹۳: ۲۳۷)، که این وضعیت بسیاری از جوامع را با مسئله بحران هویت مواجه ساخته است. از این میان، تمرکز مقاله‌ی حاضر بر چگونگی تاثیر جهانی شدن بر دولت‌ها و کارکردهای آن‌ها از جنبه‌های سیاسی و فرهنگی است.

## ۵. تاثیر جهانی شدن بر دولت‌ها و کارکردهای آنها

دهه‌های پایانی قرن بیستم و دو دهه‌ی آغازین قرن بیست‌ویکم با بحث‌های گسترده و پایدار درباره تحول دولت و ماهیت و کارکردهای آن در هزاره سوم همراه بوده است. این بحث‌ها پیوند تنگاتنگی با بحث‌های مرتبط با فرایند جهانی شدن داشته است. در اینجا استدلال این است که فرایند مذکور با تحولاتی که در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به ارمغان آورده، ساختار و کارکردهای دولت را تحت تاثیر قرار داده است (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۲۳۱-۲۱۳).

در یک تقسیم‌بندی کلی، سه دیدگاه درباره میزان و نحوه‌ی تاثیر جهانی شدن بر دولت و کارکردهای آن وجود دارد: ۱. دیدگاهی که معتقد است جهانی شدن باعث اضمحلال دولت ملی می‌شود. این دسته معتقد به پایان الگوی سنتی دولت-ملت هستند، ۲. دیدگاهی که بر این باور است جهانی شدن منجر به تحول دولت‌های ملی شده به طوری که آن‌ها دیگر نمی‌توانند همچون گذشته به اعمال حاکمیت مطلق بپردازند و ۳. دیدگاهی که به تداوم دولت ملی در عصر جهانی شدن باور دارد. برطبق این دیدگاه، علی‌رغم تاثیرات جدی جهانی شدن بر دولت‌ها و کارکردهای‌شان، همچنان از ظرفیت‌هایی جهت تنظیم زندگی اعضای جامعه‌ی خود برخوردار می‌باشد (حق شناس، ۱۳۹۳: ۲۱-۱۹؛ ۱۶۴-۱۶۱). مقاله‌ی حاضر ضمن هم‌عقیده‌بودن با دیدگاه سوم، معتقد است که نمی‌توان این واقعیت را انکار کرد که جهانی شدن توانسته است بر حاکمیت ملی و ماهیت، قدرت و کارکردهای دولت‌ها تاثیر بگذارد.

به‌طورکلی آغاز شکل‌گیری اولیه‌ی دولت‌های ملی را می‌توان از سال ۱۶۴۸ و به‌دنبال عهدنامه وستفالی دانست. در آن زمان، گرایش به این سمت بود که دولت (دولت - ملت) به یک شکل سیاسی عام تبدیل شود و نظام بین‌الدولی در سطح جهان بسط یابد. استحکام کلی نظام دولت-ملت‌ها در قرون شانزدهم و هفدهم تا اندازه‌ای تابع شرایط خاص حاکم بر اروپای غربی بود (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۰: ۲۳۷). این الگوی دولت تا اواخر قرن بیستم اشکال متعددی را تجربه کرد تا این‌که سیر تغییرات در چند دهه‌ی اخیر با گسترش پدیده جهانی شدن، بسیار پُرشتاب شد (حق شناس، ۱۳۹۳: ۲۸). سال‌های پایانی قرن بیستم، سال‌هایی بود که همه واحدهای سرزمینی در لوای دولت‌های ملی هویت یافت، اما درست به‌موازاتی که حتی مناطق

تأثیر جهانی شدن بر کارکرد سیاست‌گذاری هویت ... (مجید عباس‌زاده مرزبالی) ۱۳۳

بی‌طرف میان برخی کشورها که خارج از حاکمیت دولت‌ها بود با توافق‌هایی تحت حاکمیت دولت‌های همجوار در می‌آید، تأثیر پیشرفت جهانی شدن بر کاهش نقش مرزها نیز مشخص‌تر می‌شود و در نتیجه اقتدار دولت‌های ملی با چالش مواجه می‌گردد (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۰: ۲۳۸).

علی‌رغم اختلافات چشمگیری که بر سر مفهوم دولت وجود دارد، نوعی اجماع بر سر تعریف ماکس وبر از دولت به چشم می‌خورد. وبر دولت را اجتماعی انسانی که (به صورت موفق) مدعی انحصار استفاده‌ی مشروع از زور فیزیکی در چارچوب قلمروی معین است تعریف می‌کند. در این تعریف به عناصر لازم دولت توجه شده است. بر پایه‌ی این تعریف، چهار عنصر انحصار، قلمرو، مشروعیت و زور برای دولت شدن لازم و کافی هستند. تقریباً در اکثر تعاریف ارائه شده از دولت نیز به نوعی بر این عناصر تأکید شده است (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۳).

دیوید ایستون از صاحب‌نظران مبحث دولت، چهار کارکرد را برای این نهاد در نظر می‌گیرد:

۱. کارکرد انطباق با محیط: یعنی دولت برای عقب‌نماندن از زمان، سعی می‌کند از طریق تاسیس نهادهای جدید، خود را با شرایط و محیط منطبق کند.
۲. کارکرد حل منازعات: اشاره به این دارد که دولت برای حل منازعه و ایجاد همبستگی در سطح کلی جامعه، به تاسیس نهادهای حل منازعه اقدام می‌کند.
۳. کارکرد نیل به اهداف: هر نظام سیاسی از میان اهدافی چون: تامین نیازهای زیستی و فیزیولوژیک، تامین امنیت شخصی، ایجاد حس تعلق به دیگران، تامین نیازهای شناختی و ... دارای اهدافی خاصی است که برای دستیابی به آنها تلاش می‌کند و
۴. کارکرد ایجاد و حفظ همبستگی: نظام سیاسی سعی می‌کند عناصر و نهادهایی را ترویج و تعبیه کند که دارای تداوم و پذیرش بیشتری در جامعه هستند و می‌توانند در ایجاد همبستگی موثر باشند (احمدوند، ۱۳۹۲: ۶۵-۶۳). از این میان، سیاست‌گذاری هویت ملی جزو کارکرد آخر محسوب می‌شود.

اگر تعریف وبر از دولت را ملاک قرار دهیم، آن‌گاه می‌توان محدودیت‌های ایجادشده برای دولت توسط فرایند جهانی شدن را تشخیص داد. تغییرات رخ داده در چند دهه‌ی اخیر باعث شده است که ماهیت، ویژگی‌ها و کارکردهای دولت مدرن تا حد زیادی دگرگون شود. با تأییراتی که فرایند مذکور بر دولت‌ها گذاشته است، می‌توان گفت امروزه آن‌ها اقتدار و قدرت نظارت و کنترل کمتری نسبت به دولت‌های قرون هجدهم و نوزدهم دارند (حق شناس، ۱۳۹۳: ۲۹-۳۷). به‌طور کلی در نتیجه‌ی جهانی شدن، توانایی دولت‌ها در اتخاذ اقدامات مستقل در اجرای سیاست‌های خود محدود شده، کنترل آنها بر کالاها، تکنولوژی و اطلاعات کاهش پیدا

کرده و حتی اختیارشان در تعیین قواعد و وضع قانون در محدوده‌ی سرزمین ملی نیز تنزل پیدا کرده است (ازغندی و نوری، ۱۳۹۳: ۶۰).

جهانی‌شدن فرایندی است که به‌واسطه‌ی آن امورات مختلف در کشورها از حصار تنگ و محدود حاکمیت ملی رها شده‌اند و جوامع خود را در معرض تاثیر متغیرهای متعدد فراملی می‌بینند. به‌عبارتی، فرایند جهانی‌شدن، در ابعاد گوناگون کاهش ظرفیت دولت‌ها در اعمال حاکمیت ملی را به دنبال آورده است (شیرزادی و سخایی، ۱۳۹۰: ۱۸۳). با تسریع و تشدید روند جهانی‌شدن، ضمن فرسایش اقتدار دولت‌ها، نفوذپذیری مرزها و تحدید حاکمیت آن‌ها، ده‌ها بازیگر غیردولتی وارد عمل شده و در اقتدار دولت‌ها سهمیم گردیده‌اند (قوام، ۱۳۸۰: ۶۸۶) و بدین‌سان حاکمیت مطلق به مفهومی ناممکن و منسوخ تبدیل شده است. دولت‌ها دیگر نمی‌توانند به‌راحتی برخلاف مسیر تحولات سیاسی و فرهنگی جهان تصمیم‌گیری کنند (بشیری، ۱۳۸۳: ۶۵۵).

به‌طور کلی عواملی چون: رشد و گسترش فضای مجازی (فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی)، مسائل زیست‌محیطی، یکپارچگی بازارهای مالی و ... را می‌توان عناصر موثر در تضعیف حاکمیت دولت‌ها در عصر جهانی‌شدن برشمرد. به‌عبارتی دیگر، جهانی‌شدن از طریق عوامل مذکور توانسته است بر کارکرد دولت‌ها تاثیر بگذارد، که در این میان، تمرکز مقاله‌ی حاضر بر نقش فضای مجازی می‌باشد. «فضای مجازی، محیط الکترونیکی است که ارتباط انسانی را به شیوه‌های سریع و فراجغرافیایی با ابزارهایی خاص و به‌طور مستقیم میسر می‌سازد و از آن جهت که برخاسته از اطلاعات نامرئی - اطلاعاتی است، اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد» (میرمحمدی، ۱۳۹۴)؛ اینترنت، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه، جلوه‌های اصلی فضای مجازی می‌باشند.

در رابطه با نسبت جهانی‌شدن و فضای مجازی و اهمیت این رابطه، همین بس که

برای بسیاری از افراد وقتی واژه جهانی‌شدن مطرح می‌شود، مفهوم فضای مجازی تداعی می‌شود. به‌عبارتی، جهانی‌شدن بیانگر تحولات و پیشرفت‌هایی است که در عرصه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی به‌وقوع پیوسته است. در واقع می‌توان گفت جهان امروز به‌واسطه فضای مجازی به یک دنیای واحد تبدیل شده است. ظهور و گسترش این فضا در ساختار تعاملات انسانی دگرگونی بنیادی ایجاد کرده و پیامد این امر شکل‌گیری نوع جدیدی از تعاملات است که ارتباطات انسانی فراتر از زمان و مکان را ممکن ساخته است. این مسئله خود نشان‌دهنده‌ی نقش فضای مجازی در فرایند جهانی‌شدن می‌باشد.

تأثیر جهانی شدن بر کارکرد سیاست‌گذاری هویت ... (مجید عباس‌زاده مرزبالی) ۱۳۵

به‌طور کلی پیش از ظهور فضای مجازی، امکان تبادل افکار، عقاید، اطلاعات و ... از ورای مرزها وجود نداشت، اما با وجود آن، به‌راحتی و به‌سرعت منتقل می‌شوند. فضای مجازی موجب شده است که فاصله میان افراد و جوامع از بین برود. به‌عبارتی دیگر، ارتباطات میان انسان‌ها و جوامع که تا پیش از این محصور به محیط‌های شناخته‌شده و عینی بود، در نتیجه‌ی پیدایش و گسترش فضای مجازی به عرصه‌ای نامحدود و غیرقابل رویت گسترش یافت (عباس‌زاده مرزبالی، ۱۴۰۰: ۴۲-۴۰).

اما نکته‌ی مهمی که لازم است به آن توجه داشت این است که «از آنجا که کشورهای مختلف بسته به میزان توانایی و امکانات خود واکنش‌های متفاوتی نسبت به تحولات جهانی شدن نشان می‌دهند، بنابراین دگرگونی در ساختار دولت و کارکردش در همه‌جای دنیا به یک شکل و صورت نمی‌باشد» (قوام، ۱۳۸۴: ۶۷)؛ در جاهایی بیشتر و در جاهایی کمتر. یکی از کارکردهای مهم دولت‌ها که از فرایند جهانی شدن (فضای مجازی) تأثیر پذیرفته است، کارکرد سیاست‌گذاری هویت ملی می‌باشد، که در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود.

## ۶. جهانی شدن و تضعیف کارکرد سیاست‌گذاری دولت‌ها در حوزه هویت ملی

از آنجا که در بحث جهانی شدن، موضوع فرسایش مرزها و نقش دولت بسیار مهم است و هویت ملی نیز به‌نوعی در چارچوب مرزهای بین‌المللی تعریف می‌شود و دولت‌ها نگهبانان آن تلقی می‌گردند، این‌گونه استدلال می‌شود که با گسترش جهانی شدن و از میان رفتن مرزها و تأثیرپذیری دولت‌ها از این فرایند (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۵۵)، کارکرد سیاست‌گذاری هویتی دولت‌ها دچار تغییر و تحولات جدی شده است.

به‌لحاظ تاریخی هویت ملی به‌معنای مدرن آن، پدیده‌ای است که با ظهور جوامع مدرن سرمایه‌داری صنعتی در جهان غرب رشد و گسترش پیدا کرده است (قهرمانپور، ۱۳۸۱: ۳۳۲). در گذشته، مسئولیت و اختیار هویت‌سازی ملی تنها برعهده‌ی دولت بود و

با استفاده از رسانه‌های سنتی نظیر رادیو و تلویزیون مدیریت افکار عمومی را در جهت یک ایدئولوژی واحد که همچون تئوری راهنمای عمل برای هویت افراد بود در دست داشت. دولت از طریق رسانه‌ها به آموزش و تبلیغ ارزش‌ها و ایستارها پرداخته و از این طریق مرزهای خاصی را برای هویت افراد ایجاد نموده و بر طبعی‌سازی یک صورت‌بندی خاص از هویت ملی افراد می‌پرداخت تا بدین شکل الگوی مشخصی از غیریت ایجاد نماید (اژدری، ۱۳۹۲: ۱۹۱-۱۹۰).

نکته این که، فضای هویتی دوران گذشته، فضای ملی بود. به عبارتی،

در گذشته مرزهای هویتی به واسطه تلاش‌های پایدار دولت، از مرزهای ملی فراتر نمی‌رفت و هرگونه فرهنگ و هویت فراملی و فروملی نوعی ناهنجاری و یا بحران قلمداد می‌شد. در نتیجه، دولت‌های مدرن می‌توانستند در فضا - زمان ملی و با توسل به ابزارهایی نظیر مطبوعات، رسانه‌های جمعی، نظام آموزشی و ... یک روایت از هویت ملی ایجاد کنند (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۹۱-۷۹؛ قهرمانپور، ۱۳۸۱: ۳۳۲).

رسانه‌های ارتباط جمعی سنتی، دارای منطق دو ارزشی هستند که در آن، «ما» و «دیگران» یا «غیریت سازی» در کانون توجه قرار دارد.

در این شرایط، محتوا به صورت همگن و در کانون ایدئولوژی واحدی به افراد عرضه می‌شود. بر این اساس هویت افراد بر اساس مونولوگ یا گفت‌وگوی یک‌طرفه شکل می‌گرفت. رسانه‌های سنتی به دلیل حاکمیت منطق دو ارزشی بر آنها، قادر بودند تا به تناسب یک ایدئولوژی واحد و راهبردهایی که در انطباق با اهداف ملی انتخاب می‌شد به پایداری یا تغییر ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی و فرهنگی کمک کنند. در شرایطی که رسانه‌های سنتی به دلیل خصلت یک‌سویه و دو ارزشی، مدیریت افکار عمومی را در دست داشتند، افراد تنها یک منبع جهت هویت‌یابی در اختیار داشتند. تحت تأثیر این فرایند، دولت بیشترین نقش را در هویت‌سازی ملی برعهده داشت و با سیطره‌ی خود بر نهادهای هویت‌ساز در جامعه، عنصر اصلی هویت‌ساز و واجد توانایی بالایی در این خصوص بود (اژدری، ۱۳۹۲: ۱۹۱).

سیاست‌گذاری هویت ملی از سوی دولت، «باعث می‌شد تا ابزارهای روایت این هویت تا حد ممکن از دخالت نیروهای بیرون از مرزهای سرزمینی مصون بمانند. بدین ترتیب در دوران مدرن، هویت ملی در تعامل افراد جامعه با دولت شکل می‌گرفت» (قهرمانپور، ۱۳۸۱: ۳۳۹).

نکته‌ی مهم در اینجا این است که فرایند جهانی شدن از طریق ابزار مهم خود یعنی فضای مجازی «توانسته است با فرسایش و نفوذپذیرکردن مرزهای ملی و رهاکردن امر اجتماعی از بستر مکانی، زمینه‌ی جدایی جامعه و روابط اجتماعی و فرهنگی را از نهاد دولت فراهم کند» (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۷۹)، که این موضوع بر کارایی، اختیار و اقتدار مطلق دولت‌ها در عرصه هویت‌سازی ملی تأثیر منفی گذاشته است، به طوری که آن‌ها دیگر نمی‌توانند مانند گذشته و در فضایی بسته، انحصاری و امن، به سیاست‌گذاری در حوزه هویت ملی بپردازند. در واقع «جهانی شدن [به وسیله‌ی فضای مجازی] توانسته است مؤلفه‌های هویت ملی را خارج از اراده‌ی

تأثیر جهانی شدن بر کارکرد سیاست‌گذاری هویت ... (مجید عباس‌زاده مرزبالی) ۱۳۷

دولت‌ها به موضوع یک انتخاب تبدیل کند و بدین وسیله آن‌ها را در این زمینه با چالش مواجه نماید» (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۷۹ و ۲۴۶؛ Pruthi, 2006: 133; Bauman, 2001: 481).

به‌طور کلی وقوع مهاجرت‌های گسترده و اختلاط فرهنگی، ظهور سازمان‌های غیردولتی و فراملی، به‌وجود آمدن پدیده جهانی - محلی شدن و محل‌زدایی، پدیده حقوق بشر جهانی و به‌ویژه ظهور فناوری‌ها و انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی در عصر جهانی شدن، حاکمیت مطلق سنتی در زمینه تعریف فرهنگ و شیوه‌های زندگی و تفکر را دچار محدودیت کرده و بُعد هویت‌سازی دولت‌های ملی را به‌نفع فرهنگ جهانی به چالش کشیده است (جلال‌پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۸ و ۶۳). براین اساس می‌توان گفت امروزه دولت‌ها صرفاً به یکی از بازیگران عرصه هویت‌سازی در کنار مراجع و عوامل فروملی و فراملی تبدیل شده‌اند. پیدایش این مراجع یا جریان‌های جدید هویت‌ساز، دو نتیجه‌ی کلی به‌همراه دارد:

تشدید انقباض فضا - زمان و متحول شدن امر سیاسی. در نتیجه‌ی این عوامل، فهم از زمان و نیز مدیریت آن دچار تحولی اساسی شده است. بازیگرانی که توانایی اعمال قدرت بیشتر دارند، بهتر می‌توانند زمان را در راستای خواست‌های خود مدیریت کنند. به‌هم‌نزدیک‌تر شدن سطوح فراملی و فروملی را می‌توان حاصل این انقباض فضا - زمان دانست. در زمینه تحول در امر سیاسی نیز ما شاهد آن هستیم که سیاست حاد و ملایم گذشته دچار تحولی اساسی شده است. سیاست در بسیاری از جوامع امروزی امری هدایت‌شده از بالا نیست. به‌همین دلیل نیز امر سیاسی الزاماً همان چیزی نیست که دولت تعریف می‌کند. آنچه امروزه سیاست هویت‌ناهمیده می‌شود جلوه‌ی آشکاری از متحول شدن مفهوم سیاست و امر سیاسی می‌باشد (قهرمانپور، ۱۳۸۱: ۳۳۷).

جهانی شدن بخش بسیار عمده‌ای از منابع هویت‌ساز را مختل کرده و موضوع سرزمین‌زدایی از دولت مشکلات عدیده‌ای را برای تعریف از خویش‌تن به‌وجود آورده است. به‌این ترتیب عدم تسلط مکان بر فضا و همچنین فروپاشی زمان که می‌توانست فرد را با گذشته پیوند دهد و همچنین تعارضات ناشی از تقابل خاص‌گرایی و عام‌گرایی مشکلات زیادی را برای موقعیت شهروندی از لحاظ قبول مسئولیت، انجام تکالیف و ورود به فرایند مشارکت و برخورداری از حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به‌وجود آورده است (قوام، ۱۳۸۰: ۶۹۲).

به‌طور کلی از آنجا که «تغییر، تثبیت، تقویت، تضعیف و تکوین هویت ملی در هر جامعه‌ای با فناوری‌های ارتباط جمعی و محتوای پیام‌های آن‌ها ارتباط دارد» (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۷)، بنابراین با ظهور و گسترش فضای مجازی در عصر جهانی شدن، این هویت در جوامع مختلف

دستخوش دگرگونی‌های اساسی گشته و پیامد آن، «شکل‌گیری نوع جدیدی از تعاملات انسانی است که فرصت‌های نوینی را در جهت تجلی هویت به وجود آورده است» (سامانی و فراهانی، ۱۳۹۵: ۸۵؛ ۵۰۴؛ Bannan & et al., 2015). در واقع می‌توان چنین گفت که در عصر حاضر، «کارکرد هویت‌سازی به عرصه فضای مجازی انتقال یافته و این عرصه به منبعی مهم در شکل‌دادن، تفسیر و انتقال هویت‌ها تبدیل شده است» (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۲۸).

برخلاف گذشته که هویت فرد در تعاملات حضوی و به صورت چهره‌به‌چهره و تحت نظر دولت شکل می‌گرفت، امروزه با ظهور و گسترش فضای مجازی به عنوان ابزار جهانی‌شدن، تعاملات به صورت مجازی در آمده است و به فرد این امکان را می‌دهد که به دور از نظارت و کنترل دولت، با افرادی فراتر از مکانی که او در آن حضور دارد، ارتباط برقرار کرده (فرامرزیانی و جعفری، ۱۳۹۹: ۷۰) و هویت خود را مورد بازتعریف قرار داده و شکل جدید و متفاوتی به آن دهد. به عبارتی دیگر، پیدایش و تقویت جریان‌ها و منابع هویتی فراملی در عصر جهانی‌شدن، توانایی گذشته‌ی دولت‌ها در امر هویت‌سازی را کاهش داده و هویت‌های تازه و متفاوتی در نتیجه‌ی جریان‌ها و منابع هویتی جدید شکل می‌گیرند.

در عصر جهانی‌شدن، سیطره‌ی ساختارهای ایجادشده توسط دولت که محدود به یک ناحیه جغرافیایی بوده، به پایان رسید.

فضای متکثر شبکه‌ای، سلطه‌ی این ساختارها را به تدریج فرسوده ساخته و دیگر این فضای شبکه‌ای در کشورها در قید مستقیم یک قلمرو جغرافیایی خاص قرار ندارد. در عصر فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، جوامع در چرخشگاه تمدنی جدید قرار گرفتند و به واسطه‌ی آزادشدن جریان اطلاعات، تغییرات مهمی در عرصه هویت برای افراد ایجاد شد. از آنجایی که جهان‌بینی‌های متفاوتی از طریق فضای مجازی انتشار می‌یابد، تنوع در انتخاب ارزش‌ها برای افراد نیز افزایش می‌یابد. به همین میزان منابع هویت‌ساز آنان نیز متنوع و متکثر شده، زمینه را برای ایجاد هویت‌های چندارزشی یا فازی فراهم می‌سازد. به بیانی دیگر، امروزه دسترسی به حجم وسیع اطلاعاتی و برخورداری از امکانات و ابزارهای نوین ارتباطی، افق جدیدی را پیش‌روی افراد جهت هویت‌یابی، گشوده است و آنان نیز به مدد فضای مجازی سهمی را در مبادلات معنا پیدا کرده‌اند. بر همین اساس مرزهای هویتی جدید دائماً تغییرپذیر بوده و هر کس با گزینش شیوه‌های تازه زندگی، در جستجوی هویتی جدید برای خود است (اژدری، ۱۳۹۲: ۱۹۲-۱۹۱).

نکته اساسی در اینجا این است که،



تأثیر جهانی شدن بر کارکرد سیاست‌گذاری هویت ... (مجید عباس‌زاده مرزبالی) ۱۳۹

امروزه تعلقات هویتی افراد بستگی زیادی به نحوه و مدت‌زمان استفاده آن‌ها از فضای مجازی پیدا کرده است. این موضوع بر چگونگی احساس افراد نسبت به هویت ملی‌شان تأثیر به‌سزایی دارد. براین‌اساس هرچه میزان و مدت مواجهه افراد با رسانه‌های فضای مجازی بالا رود و هرچه کاربران محتوای مواجهه را واقعی‌تر تلقی کنند، بیشتر از رابطه خود با این رسانه‌ها در جهت بازبینی هویت ملی خود بهره می‌برند و لذا احتمال تأثیرپذیری آن‌ها بیشتر خواهد شد (زارعی، ۱۳۹۲: ۴۱؛ عباسی قادی و خلیلی کاشانی، ۱۳۹۰: ۸۳).

به‌طورکلی در حوزه عمومی فضای مجازی امکان‌های جدیدی برای نقد تعریف رسمی از هویت ملی توسط افراد به وجود آمده است. به‌عبارتی فضای مجازی دسترسی افراد را به اطلاعات مختلف افزایش داده و به ایجاد روابط دو سویه میان افراد، گروه‌ها و طرح و نقد دیدگاه‌ها و نظرات آنها یاری رسانده است. در عصر جهانی‌شدن، استفاده‌ی روزافزون از رسانه‌های غیرانحصاری مجازی موجب تحکیم پیوندهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... میان بازیگران در سطوح ملی و فراملی شده است و در مقابل، دولت در برابر مراکز اقتدار فراملی به‌مثابه منابع هویت‌ساز جدید، توانایی خود را برای هویت‌سازی افراد، کم‌رنگ‌تر از گذشته می‌بیند (ازدري، ۱۳۹۲: ۱۹۲). رسانه‌های مجازی «به فضایی برای دگرگون‌سازی و اختلاط هویت‌های ملی با هویت جهانی تبدیل شده‌اند، به‌طوری‌که یکی از تأثیرات اساسی آنها در گستره ملی و فراملی، کم‌رنگ کردن مرزهای هویتی جدید در میان مخاطبان است» (صالحی امیری و افروغ، ۱۳۹۲: ۵۳). این رسانه‌ها موجب می‌شوند که افراد به هویت فراملی گرایش پیدا کرده و کمتر با معرف‌های هویت ملی، خود را تعریف نمایند (جعفری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۳). قابلیت‌های فضای مجازی حس تحرک بی‌سابقه‌ای را به درون فضای اجتماعی تزریق کرده است. این حس بدان‌معناست که در فضای مجازی امکان تغییرات هویتی برای افراد وجود دارد. فرد در لحظه‌ای آنی می‌تواند جنس، نژاد، طبقه اجتماعی و ملیت خود را پنهان ساخته و با ویژگی‌های جدید، هویت جدیدی برای خود تعریف کند و براساس آن به تعامل با هویت‌های واقعی یا مجازی دیگر پردازد و در نتیجه‌ی این تعاملات به‌تدریج هویت مجازی در فرد نهادینه شده (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۲۶) و هویت ملی‌اش خدشه‌دار گردد.

در اجتماعات شکل‌گرفته در فضای مجازی، معمولاً افراد حداقل در یک چیز اشتراک دارند و آن علائق و منافع است که آنها را دور هم جمع می‌کند. این منافع دسترسی به اطلاعات است و هویت جمعی آنان را می‌سازد. اجتماعات مجازی، هویت افراد را می‌سازند و این

هویت، هویتی دیجیتال می‌باشد. جامعه اطلاعاتی عصر جهانی شدن، هویت‌های جدیدی را خلق می‌کند. در جامعه‌ای که ارتباطات الکترونیک در آن سیطره دارد، ذهنیت‌ها و هویت‌های ناپایدار، چندلایه و پراکنده ظهور می‌کند. وسایل نوین اطلاعاتی و ارتباطی در اثر تغییراتی که در برداشت‌های بشر امروزی به وجود می‌آورند، هویت‌ها را در وضعیت جدید و متفاوت از گذشته قرار می‌دهند. هویت در اجتماعات مجازی در مسیر فراملیتی شدن حرکت می‌کند. ارتباطات درون این اجتماعات، راهگشای نگرستن به انسان به‌عنوان پدیده‌ای چندلایه، چندپاره و تغییرپذیر است. اجتماعات مذکور می‌توانند هویت‌های منفرد را قادر به عرض‌انداز در سطوح ملی و فراملی کنند (اژدری، ۱۳۹۲: ۱۸۵-۱۸۴).

به‌طورکلی تغییر در ساختار هویت ملی که تحت‌تاثیر فضای مجازی در حال پایدارشدن است، بستر لازم جهت برسازی هویتی و شکل‌گیری نوع جدیدی از هویت را پدید آورده است که به آن هویت فازی می‌گویند. اصل فازی بیان می‌دارد که همه چیز نسبی است. به‌عبارتی، فازی بودن به‌معنای چندارزشی بودن است. براین اساس حالت فازی بیان می‌دارد که هویت در افراد، نسبی و سیال است. رسانه‌های نوین ارتباطی به دلیل ویژگی متعامل و غیرانحصاری، فرصت‌های جدیدی را جهت تعامل افکار و اندیشه‌ها برای افراد به دست می‌دهند. این مهم موجب سیالیت در هویت آنان شده و اشکال جدیدی از هویت را به آنها عرضه می‌دارد (اژدری، ۱۳۹۲: ۱۹۰). باتوجه به این، می‌توان گفت که

در فضای مجازی افراد با یک هویت واحد سروکار ندارند، بلکه در شاهراهی به‌سر می‌برند که در آن مرتب مواجهه‌هایی صورت می‌گیرد. این مواجهه‌ها به‌صورت مبادله الکترونیکی و راه دور است و طی آن هویت‌ها به شکل غیرمعمولی به نمایش گذاشته می‌شوند. بنابراین در فضای مجازی و در نتیجه‌ی تضعیف سلسله‌مراتب ارتباطی، افراد مجال بیشتری برای ارائه هویت مورد نظر خویش جدای هویت ملی پیدا می‌کنند (معینی علمداری، ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۱۴).

علاوه بر این، فضای مجازی گروه‌های فروملی به‌ویژه گروه‌های قومی را نیز قادر ساخته است تا به تقویت هویت جمعی‌شان پرداخته و به‌نوعی، «توازن قدرت را در رقابت با دولت برخلاف مسیر قبلی به‌پیش ببرند و آن را متحول سازند» (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۴۲). کاهش نقش دولت‌ها در مقابل رشد فزاینده‌ی آگاهی‌ها و فعالیت‌های گروه‌های قومی، آن‌ها را دربرابر وضعیت و تقاضاهای جدیدی قرار داده است به‌طوری‌که امکان بازگشت به سیاست‌های

تأثیر جهانی شدن بر کارکرد سیاست‌گذاری هویت ... (مجید عباس‌زاده مرزبالی) ۱۴۱

یک‌سویه‌ی قبلی را از بین برده است، به‌طوری‌که وقتی دولت‌ها سعی در اجرای چنین سیاست‌هایی داشته باشند، با واکنش شدید این گروه‌ها مواجه می‌شوند.

گروه‌های قومی می‌توانند ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در فضای مجازی، با ایجاد اجتماعات مجازی، امکان بازاندیشی، بازسازی و احیای مجدد هویت خویش را بیابند و عملاً از طریق برقراری ارتباط با دیگر گروه‌ها و اقلیت‌های قومی در سراسر جهان و یکپارچه‌نمودن خواسته‌های خود در عرصه‌های ملی و جهانی به نیروی موثری در تغییر سیاست‌های هویتی مبدل گردند (گرگی، ۱۳۸۵: ۶۱-۵۸؛ Elkins, 1997).

به‌طورکلی سهولت دسترسی به فضای مجازی برای اعضای گروه‌های قومی از چند جهت اهمیت دارد:

اول این‌که، سهولت ایجاد ارتباط همراه با سرعت آن و انتقال آگاهی به اعضای هم‌گروه از ویژگی‌های بارز این رسانه‌ها است. با کمک این وسایل، اعضای گروه‌های قومی به هویت خویش آگاه شده و می‌توانند فارغ از این‌که در کدام کشور قرار دارند، خواسته‌ها و تمایلات خویش را به‌راحتی به هم‌کیشان خود برسانند. دوم این‌که، این افراد با توجه به آگاهی‌هایی که توسط رسانه‌های مذکور پیدا کرده‌اند، به‌راحتی عقاید خویش را برای سایرین مطرح کرده و در تمام جنبه‌ها به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند و از این‌رو خودآگاهی به‌دست‌آمده انتظاراتی را پدید می‌آورد (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۹۴).

روی‌هم‌رفته می‌توان گفت که

بین‌المللی‌شدن ارتباطات و تضعیف پیوندهای سنتی بین فرهنگ و جغرافیا و همچنین کاهش اقتدار و مشروعیت نظام‌های سیاسی در تحمیل یک هویت مشروعیت‌بخش و کنترل مرزهای عقیدتی به‌واسطه رشد فضاها، مجازی، موجب شده است که برای نخستین بار کنترل همه‌جانبه‌ی دولت‌ها بر روند هویت‌یابی فردی و اجتماعی (ملی) با چالشی جدی مواجه گردد (گرگی، ۱۳۸۵: ۶۷).

که نتیجه‌ی این وضعیت نیز، ایجاد مرزبندی‌های جدید هویتی و فراهم‌شدن زمینه‌های بروز بحران هویت ملی در جوامع می‌باشد. نکته‌ی مهم این‌که، این بحران خود می‌تواند به بحران‌هایی نظیر بحران یکپارچگی و بحران ثبات نظام سیاسی بیانجامد. همین موضوع، دولت‌ها را ملزم به انجام سیاست‌گذاری کارآمد در حوزه‌ی هویت ملی کرده است.

## ۷. راهکارهای پیش‌روی دولت‌ها در حوزه سیاست‌گذاری هویت ملی

از دیدگاه این مقاله، فرایند جهانی شدن علی‌رغم تاثیرگذاری بر دولت‌ها و کارکردهای‌شان، نتوانسته است آن‌ها را از عرصه‌های داخلی و بین‌المللی حذف کند و آنان همچنان اصلی‌ترین بازیگران این عرصه‌ها می‌باشند. «بررسی‌های منطقی نشان می‌دهند دولت‌ها واقعیت‌های انکارناپذیری هستند که با تحولات عصر جهانی شدن نه تنها ناپود نمی‌شوند، بلکه حتی می‌توانند از این فرایند و ابزارهای آن در راستای اهداف خود استفاده نمایند» (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۲۵؛ حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۸۸). مهم‌ترین دلایل اهمیت دولت در عصر جهانی شدن را می‌توان بدین ترتیب برشمرد: اول این‌که حاکمیت دولت فراگیر است و می‌تواند در همه‌ی حوزه‌های زندگی اجتماعی دخالت کند. به‌همین دلیل دولت نسبت متفاوتی با دیگر نهادهای اجتماعی دارد و آن‌ها به‌نوعی تحت سلطه و نظارت دولت قرار دارند. دوم این‌که، گریزی از دولت نیست و تصور زندگی بدون آن ناممکن است. از آن‌جا که تقریباً سرتاسر گستره خاکی کره زمین تحت حاکمیت دولت‌هاست، بنابراین مکانی برای زندگی عاری از تابعیت دولت معین وجود ندارد، و سوم این‌که، این درست است که تحولات ناشی از جهانی شدن باعث محدودشدن حاکمیت دولت‌ها شده است، اما توانایی‌های آن‌ها را هم تقویت می‌کند (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۱۰-۹).

با توجه به آنچه بیان شد، مقاله‌ی حاضر بر این باور است که دولت‌ها در عصر جهانی شدن با انجام سیاست‌گذاری مناسب و کارآمد در حوزه‌ی هویت ملی، می‌توانند به مقابله با چالش‌های پیش روی این هویت پرداخته و بدین‌وسیله از آن صیانت نمایند. براین‌اساس دولت‌ها در صورت توجه به راهکارهای زیر در فرایند سیاست‌گذاری هویت ملی، می‌توانند موجبات تقویت هویت ملی و جلوگیری از بروز بحران هویت ملی در جامعه‌ی خود را فراهم نمایند:

### ۱.۷ مواجهه منطقی با فرایند جهانی شدن

جهانی شدن واقعیتی ملموس و ضرورتی گریزناپذیر است و هر جامعه‌ای که خواهان حفظ و تقویت هویت ملی خود است، چاره‌ای ندارد جز این‌که آن را به رسمیت بشناسد. تا زمانی که یک دولت نتواند و یا نخواهد فرایند مذکور را به‌عنوان یک واقعیت در حال‌گسترش بپذیرد، قادر به اتخاذ سیاست‌گذاری درست در زمینه هویت ملی نخواهد بود و این موضوع مانع تحکیم این هویت خواهد شد. بنابراین در صورتی که دولت‌ها بتوانند ارزیابی درست و منطقی‌ای از جهانی شدن داشته باشند، این فرایند در کنار تهدیدها، فرصت‌هایی نیز در اختیار آن‌ها قرار

تأثیر جهانی شدن بر کارکرد سیاست‌گذاری هویت ... (مجید عباس‌زاده مرزبالی) ۱۴۳

خواهد داد تا بتوانند با استفاده از آن فرصت‌ها از هویت ملی خود محافظت نمایند. باید به این نکته توجه داشت که سیاست‌گذاری هویت ملی در هر نظام سیاسی تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار دارد و از این رو سیاست‌گذاران باید هرگونه برنامه‌ریزی هویتی را بر واقعیات داخلی و بین‌المللی بنا کنند؛ یکی از واقعیات عصر کنونی در عرصه بین‌المللی، گسترش جهانی شدن می‌باشد. به‌طور کلی

باور به بومی‌بودگی سیاست‌گذاری هویت ملی به معنی نفی رابطه متقابل و تعاملی بسترهای محیط داخلی جوامع با محیط‌های بیرونی نیست، چون از رهیافت سیستمی، واقعیت بهم‌پیوستگی‌ها و روابط متقابل جوامع متأثر از فرایند جهانی شدن، امری گریزناپذیر شده و دادوستدهای هویتی را به موضوعی حتمی مبدل کرده است و کردار و پنداشت دیگران نیز در شکل‌گیری منظومه هویتی جوامع تأثیر بسزایی دارد، اما هم‌رنگی مطلق با کردارها و پنداشته‌های اغیار و اقتباس بی‌کم‌وکاست از آموزه‌های برون زاد، از نظر هستی‌شناسانه با معنای هویت جمعی ناسازگار و از نظر سیاست‌گذارانه با فرایند آن در تنافر است (کریمی (مله) و پارسا، ۱۳۹۸: ۱۵).

در نتیجه می‌توان گفت سیاست‌گذاری هویتی با اتخاذ رویکرد ترکیبی میسر می‌شود و بدون توجه به عوامل داخلی و بین‌المللی (جهانی شدن) موفق نخواهد بود.

## ۲.۷ بهره‌گیری از فرصت‌ها و امکانات فضای مجازی

فضای مجازی یکی از فرصت‌هایی است که جهانی شدن پیش روی دولت‌ها قرار داده است و آن‌ها می‌توانند با بهره‌گیری مناسب از آن، به تقویت هویت ملی بپردازند. به‌طور کلی هرچند رشد و گسترش فضای مجازی تأثیر شگرفی بر ساختار دولت‌ها و کارکرد سیاست‌گذاری هویتی آن‌ها گذاشته است، اما نباید قضاوتی یک‌سویه در این رابطه داشت و فضای مجازی را فقط به‌عنوان تهدیدی برای این کارکرد دولت‌ها در نظر گرفت؛ زیرا

نخست این‌که، دولت‌ها همچنان زیرساخت‌های فضای مجازی را با قدرت در کنترل دارند و از این طریق می‌توانند آن را مدیریت کنند. دوم این‌که، دولت‌ها با قدرت تمام فضای ملی و مرزهای خود را در رابطه با فضای مجازی کنترل می‌کنند. سوم این‌که، دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل در تلاش‌اند تا فضای مجازی و کاربری آن را ضابطه‌مند و قانون‌مند کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۳۹-۳۸)

و چهارم این‌که، سیاست‌گذاران می‌توانند از فرصت‌ها و امکانات فضای مجازی برای معرفی هرچه‌بهتر هویت ملی کشور و تقویت گرایش اعضای جامعه‌شان نسبت به هویت ملی خود سود ببرند. با توجه به این، دولت‌ها به‌جای برخوردی قهرآمیز با محتویات و الگوهای هویتی موجود در فضای مجازی، می‌بایست تعریف مشخصی از مرز دسترسی در عرصه فضای مجازی ارائه و امکان‌های فنی مناسبی برای پررنگ‌ساختن این مرزها ایجاد نمایند.

### ۳.۷ توجه یکسان به عناصر و گرایش‌های مختلف هویتی

هویت ملی مجموعه‌ای از عقاید و ارزش‌های متعدد و متغیر و «مقوله‌ای چندبعدی و تراکمی است و از این رو لزوم همه‌جانبه‌نگری و پرهیز از تقلیل‌گرایی در ادراک مبانی هویت ملی و گرایش‌های هویتی و توجه یکسان و هم‌زمان به آن‌ها مورد انتظار است» (کریمی (مله) و پارسا، ۱۳۹۸: ۱۶). بر این اساس لازم است سیاست‌گذاران فراتر از سیاست‌زدگی و نگاه‌های امنیتی، در تصمیم‌گیری به همه نگرش‌ها و رویکردهای هویتی در کشور توجه نمایند و نگرش و رویکرد خاصی را بر فرایند سیاست‌گذاری حاکم نکنند. ضروری است که متناسب با دگرگونی نگرش‌های هویتی و تغییر نوع و ماهیت مطالبات در جامعه، سیاستگذار نیز مفهوم چندبعدی سیاست‌گذاری هویت ملی را دستورکار قرار دهد. چراکه «این نوع سیاست‌گذاری نمی‌تواند بدون توجه به جریان‌ها و گرایش‌های هویتی موجود در جامعه پایدار و موفق باشد. هر نوع سیاست‌گذاری در حوزه هویت ملی باید با توجه به میزان علاقه‌مندی و ارتباط مردم با منابع هویتی تدوین شوند» (قهرمانپور، ۱۳۸۶: ۶۰). از آن‌جا که جهانی‌شدن موجب تقابل و تضاد میان ارزش‌های مدرن و قدیمی شده است، پیدایش و استمرار تقابل و تضاد میان ارزش‌ها و نگرش‌های هویتی در جامعه و تحمیل رویکرد هویتی خاص از سوی دولت، انسجام ملی و امنیت فرهنگی در آن جامعه را از بین خواهد برد. تکثرگرایی فرهنگی بر تعامل و همزیستی میان نگرش‌های هویتی و ارزش‌های فرهنگی تاکید دارد. در جهان متکثر امروز که در آن ارتباطات مرزهای مختلف را درنوردیده است، اتخاذ نگاه گزینشی در رابطه با هویت ملی، منطقی و امکان‌پذیر نمی‌باشد. در سیاست‌گذاری هویتی باید این فرض را پذیرفت که خرده‌هویت‌های مختلف می‌توانند در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند. به عبارتی دیگر، در عصر حاضر، نیاز به وحدتی در جامعه احساس می‌شود که تمام خرده‌هویت‌ها را به رسمیت بشناسد و آنها را به یکدیگر پیوند دهد؛ چراکه با پیوند دادن هر کدام از آنهاست که هویت ملی پایدار می‌شود.

#### ۴.۷ توجه به نقش تمامی نهادهای موثر در سیاست‌گذاری هویت ملی

چندبُعدی بودن فرایند سیاست‌گذاری هویت ملی ایجاب می‌کند که زمینه‌ی حضور تمامی نهادهای موثر در این فرایند فراهم گردد.

برخلاف رهیافت خطی و سستی نسبت به سیاست‌گذاری در این حوزه، درک درست مسئله هویت ملی و سیاست‌گذاری در مورد آن، مستلزم توجه به نهادهای متعدد و ذی‌نفعان مختلف است و این‌که هر تدبیر و راه‌حل احتمالی معمولاً نیازمند مداخله، تعهد و هماهنگی این عوامل است. خصلت مستمر بودن هویت ملی بر لزوم رصد دائمی فرایند هویت‌یابی دلالت دارد تا تاثیر کردارهای افراد، گروه‌ها، نهادها یا وقایع منفرد مستحده و روندهای نوپدید بر فرایند هویت‌یابی سنجش و ارزیابی شود و از سوی دیگر سازوکار یا نهادی تعیینه و پیش‌بینی شود تا به این مهم بپردازد. از این‌رو توجه به نقش کلیه کارگزاران فرایند جامعه‌پذیری اعم از کارگزاران رسمی و غیررسمی و اولیه و ثانویه به‌ویژه مسئولیت‌ها و کارکردهای نهادهای آموزشی و تربیتی از قبیل نهادهای خانواده و مدرسه، آموزش عالی، رسانه‌ها و مطبوعات و فضای مجازی در سیاست‌گذاری هویت ملی اهمیت می‌یابد. البته چندبُعدی بودن هویت‌سازی، چه‌بسا بتواند موجب موازی‌کاری یا تداخل وظایف شود؛ بنابراین کارگزاران دخیل در فرایند سیاست‌گذاری هویت ملی لازم است ضمن ساختارسازی مناسب و کارآمد، قاعده تمایز ساختاری را مدنظر قرار دهند تا تنوع ساختاری به ناهمگرایی اهداف و اجرا و تداخل کارکردی نیانجامد (کریمی (مله) و پارسا، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۴).

#### ۵.۷ فراهم نمودن زمینه‌های مشارکت موثر اعضای جامعه در فرایند سیاست‌گذاری

##### هویت ملی

ماهیت راهبردی سیاست‌گذاری هویت ملی ایجاب می‌کند که زمینه‌های حضور موثر اعضای جامعه در این فرایند فراهم گردد. در واقع «به دلیل این‌که شکل‌دهی به ساختار پیش، کنش و احساسات مردم موضوع محوری سیاست‌گذاری هویت ملی است، در نتیجه بدون مشارکت و سهم‌بری آنان، سیاست‌گذاری امری ناتمام و بی‌نتیجه می‌ماند» (کریمی (مله) و پارسا، ۱۳۹۸: ۱۴ و ۱۸). فراهم نمودن زمینه‌های مشارکت فعالانه‌ی مردم در فرایندهای سیاسی از سوی دولت، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به تقویت و تحکیم هویت ملی در جامعه کمک نماید.

راهبرد کلی مواجهه با سیاست‌گذاری هویت ملی کاربست راهبرد همکارانه در مقابل الگوهای اقتدارگرایانه است که در مورد کلیه‌ی مراحل چرخه سیاست‌گذاری از شناخت

مسئله تا پایان سیاست را دربر می‌گیرد. از آن‌جا که سیاست‌گذاری هویت ملی فرایندی پیچیده و چندوجهی است که تنها با مشارکت ذی‌نفعان و بازیگران مختلف باید انجام گیرد، بنابراین راهبرد اقتدارگرایانه مناسب نمی‌باشد. بنابراین راهبرد مشارکتی به مثابه کاراترین راهبرد مواجهه با مسائل سیاسی راهبردی که ذینفعان زیادی دارند می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. چنین راهبردی با منطق دموکراسی سازگاری دارد (کریمی (مله) و پارسا، ۱۳۹۸: ۱۴-۱۳).

به‌طور کلی تعلق به کشور و ملیت زمانی معنا پیدا می‌کند که مردم نسبت به ماهیت و عملکرد نظام سیاسی آن کشور احساس تعلق کنند و بدون تبلیغات آن سیستم، در ضمیر آگاه و ناخودآگاه خود به این نتیجه برسند که جزئی از یک مجموعه‌ی منصف هستند (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۸۸). براین اساس افزایش مشارکت مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری می‌تواند به تقویت همبستگی و هویت ملی در جامعه کمک نماید.

## ۸. نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن فرایندی است که از نیمه قرن بیستم به بعد، دنیا را به‌لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دچار تغییر و تحول ساخته به‌طوری‌که در نتیجه‌ی آن، مناطق، کشورها و افراد مختلف وابستگی بیشتری به یکدیگر پیدا کرده‌اند و هرگونه تغییر و تحولی در گوشه‌ای از جهان، مناطق، کشورها و افراد دیگر را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. این فرایند با تحولاتی که در حوزه‌های مختلف به ارمغان آورده، بر ساختار و کارکردهای دولت‌ها از جمله کارکرد سیاست‌گذاری آن‌ها تاثیر گذاشته است، به‌طوری‌که دولت‌ها دیگر از اختیار و اقتدار مطلق که پیش از این در زمینه سیاست‌گذاری برخوردار بوده‌اند، بهره‌مند نیستند و نمی‌توانند بدون توجه به تاثیرات جهانی‌شدن و عوامل آن به این امر پردازند. نکته‌ی اساسی این‌که، یکی از حوزه‌های مهم سیاست‌گذاری دولت‌ها که از جهانی‌شدن تاثیر پذیرفته، سیاست‌گذاری در حوزه هویت ملی است. هویت ملی یکی از عرصه‌های مهمی است که دولت‌ها همواره درصدد اتخاذ سیاست‌هایی جهت مدیریت و صیانت از آن می‌باشند. در گذشته کارکرد هویت‌سازی تنها برعهده دولت‌ها بود، اما امروزه در نتیجه‌ی فرایند جهانی‌شدن، دولت‌ها کنترل همه‌جانبه‌ی خود بر فرایند سیاست‌گذاری هویت ملی را از دست دادند و از عوامل فراملی و فراملی تاثیر می‌پذیرند. به‌عبارتی دیگر، جهانی‌شدن با کمک به ایجاد هویت‌های فراملی و تقویت هویت‌های فراملی (قومی) از طریق ابزارهای خود به‌ویژه فضای مجازی، کارایی و اختیار دولت‌ها را در



تأثیر جهانی شدن بر کارکرد سیاست‌گذاری هویت ... (مجید عباس‌زاده مرزبالی) ۱۴۷

حوزه سیاست‌گذاری هویت ملی کاهش داده است، به طوری که آن‌ها دیگر نمی‌توانند مانند گذشته و در فضایی انحصاری به این کار بپردازند؛ این وضعیت زمینه‌ی بروز بحران هویت ملی را در بسیاری از جوامع فراهم نموده است. اما باتمام این‌ها، به دلیل این‌که دولت‌ها همچنان اصلی‌ترین بازیگران عرصه‌ی داخلی می‌باشند، می‌توانند با انجام سیاست‌گذاری مناسب در حوزه هویت ملی، به مقابله با چالش‌های پیش‌روی هویت ملی‌شان در عصر جهانی شدن بپردازند و از بروز بحران هویت ملی در جامعه جلوگیری نمایند؛ از مهم‌ترین مواردی که دولت‌ها می‌بایست در فرایند سیاست‌گذاری هویت ملی به آن توجه نمایند عبارتند از: مواجهه‌ی منطقی با فرایند جهانی شدن، بهره‌گیری مناسب از فرصت‌ها و امکانات فضای مجازی، توجه یکسان به ابعاد و گرایش‌های مختلف هویتی، توجه به نقش تمامی نهادهای موثر در سیاست‌گذاری هویت ملی، فراهم نمودن زمینه‌های مشارکت موثر اعضای جامعه در فرایند سیاست‌گذاری هویت ملی.

## کتاب‌نامه

- ابوالحسنی، رحیم (۱۳۸۸). «سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی (مطالعه موردی: شهروندان تهرانی)»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۴، صص ۲۳-۴۹.
- احمدپور، خسرو و سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۹۸). «هویت ملی در ایران: مرور سیستماتیک مقاله‌های علمی-پژوهشی»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۷۸، صص ۳-۲۴.
- احمدوند، شجاع (۱۳۹۲). «کارویژه‌های نظام سیاسی و نقش آنها در تغییر سبک زندگی»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، شماره ۱۳، صص ۵۷-۷۹.
- احمدی، حمید (۱۳۹۰). بنیادهای هویت ملی ایرانی: چارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ازغندی، علیرضا و نوری، مختار (۱۳۹۳). «جهانی شدن و تحولات پارادایمی در جامعه‌شناسی سیاسی: ظهور جامعه‌شناسی سیاسی جدید»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۵۹-۷۷.
- اژدری، بهناز (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی بعد سیاسی هویت در عصر جامعه اطلاعاتی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۱۷۹-۱۹۷.
- اسمیت، آنتونی دی (۱۳۸۳). ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵). هویت ایرانی: از دوران باستان تا پایان پهلوی، ترجمه و تدوین حمید احمدی، تهران: نشر نی.

۱۴۸ سیاست کاربردی، سال ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

- بشیریه، حسین (۱۳۸۳). عقل در سیاست، تهران: نگاه معاصر.
- بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۹۰). «الگوی پیش‌بینی تحولات قومی در ایران»، در: مجموعه مقالات آینده‌شناسی هویت‌های جمعی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۸۰). «چشم‌اندازهای جغرافیایی در عصر جهانی‌شدن»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۱، صص ۲۴۶-۲۳۷.
- جعفری، احمد و یزدانی، مرجان و قبادی، مجید (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مرتبط با هویت ملی دانش‌آموزان متوسطه شهر کرج»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵۸، صص ۱۶۸-۱۴۷.
- جلال‌پور، شهره؛ پای‌فرد، کیانوش و فلاح، محمد (۱۳۹۴). «افول مفهوم دولت-ملت در عصر جهانی‌شدن»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۲۳، صص ۶۶-۳۵.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹). «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵، صص ۲۲۸-۱۹۳.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۸). «جهانی‌شدن و ایران: بایدها و نبایدها»، در: امیرمحمد حاجی‌یوسفی، دولت و جهانی‌شدن در خاورمیانه، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۳). جغرافیای سیاسی فضای مجازی، تهران: سمت.
- حق‌شناس، محمدجواد (۱۳۹۳). دولت ملی در عصر جهانی‌شدن: تحولات و پیامدها، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خدایی، ابراهیم و مبارکی، محمد (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی و هویت»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۶، صص ۱۵۱-۱۱۹.
- ذکائی، محمدمسعود و شفیعی، سمیه سادات (۱۳۸۹). «کالبدشکافی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سبک زندگی دختران»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۰، صص ۱۱۹-۷۷.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۲). جهانی‌شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- ربانی، جعفر (۱۳۸۱). هویت ملی، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- زارعی، عباس (۱۳۹۲). «تعامل زبان، هویت و اینترنت»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۳۰، صص ۵۴-۳۳.
- سامانی، سمانه و فراهانی، اعظم (۱۳۹۵). «هویت آنلاین و اینستاگرام (مطالعه چگونگی نمایش هویت جوانان در اینستاگرام)»، فصلنامه رسانه، سال ۲۷، شماره ۲، صص ۱۰۴-۸۵.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴). ایران و جهانی‌شدن، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

## تأثیر جهانی شدن بر کارکرد سیاست‌گذاری هویت ... (مجید عباس‌زاده مرزبالی) ۱۴۹

سینائی، وحید و زمانی، سمیه (۱۳۹۰). «نقش مجالس قانونگذاری در فرایند سیاست‌گذاری؛ به سوی یک الگوی نظری»، فصلنامه راهبرد، ۲۰، شماره ۵۸، صص ۹۳-۶۵.

شهرام‌نیا، امیرمسعود (۱۳۸۶). جهانی شدن و دموکراسی در ایران، تهران: نشر نگاه معاصر.

شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ احمدی، صادق و داودی، سیدجمال (۱۳۹۹). «نقش پیش‌برنده یا بازدارنده جهانی شدن در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مجموعه مقالات چهاردهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران: ایران و چشم‌اندازهای تحلیلی امر سیاسی، ایستادن در آستانه قرن نو خورشیدی، صص ۵۲۹-۵۱۶.

شیرزادی، رضا و سخایی، الهام (۱۳۹۰). «جهانی شدن و برنامه‌ریزی توسعه در ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۱۹۸-۱۷۵.

صالحی امیری، سیدرضا و افروغ، محمدصالح (۱۳۹۲). «نقش ماهواره در شکل‌گیری هویت ملی (مطالعه موردی مؤسسه همشهری)»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۵، صص ۷۶-۵۱.

صالحی امیری، سیدرضا؛ نوبخت حقیقی، محمدباقر و ذره‌پرست ملک‌زاده، طاهره (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای هویت ملی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان مدیریت امور فرهنگی دانشگاه جامع علمی-کاربردی رشت)»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۱۱، صص ۱۱۶-۹۷.

عباس‌زاده مرزبالی، مجید (۱۴۰۰). جهانی شدن، فضای مجازی و هویت ملی در ایران: چالش‌ها و راهکارها، تهران: انتشارات کویر.

عباسی قادی، مجتبی و خلیلی کاشانی، مرتضی (۱۳۹۰). تأثیر اینترنت بر هویت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فرامرزیانی، سعید و جعفری، علی (۱۳۹۹). «نقش شبکه‌های اجتماعی موبایلی بر هویت شخصی مدرن در میان جوانان شهر اردبیل»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۸۲، صص ۸۸-۶۹.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰). «موقعیت دولت و شهروندان در عصر جهانی شدن»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۵، شماره ۳، صص ۶۹۶-۶۸۱.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). «بحران معنا در عصر جهانی شدن»، در: سیدمحمدکاظم سجادی‌پور، جهانی شدن: برداشتها و پیامدها، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲). جهانی شدن و جهان سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۱). «جهانی شدن و مساله هویت در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۶، شماره ۲، صص ۳۵۲-۳۳۱.

قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۶). «مهندسی فرهنگی و هویت ملی در عصر جهانی شدن»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۶۱-۵۶.

۱۵۰ سیاست کاربردی، سال ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

- کبیری، افشار (۱۳۸۹). «بررسی تحولات تاریخی هویت ملی در ایران»، در: ابراهیم حاجیانی، کنکاشی در هویت ایرانی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- کریمی (مله)، علی و پارسا، ندا (۱۳۹۸). «سیاست‌گذاری هویت ملی و الزامات راهبردی آن برای ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۷۷، صص ۲۰-۳.
- کریمی، مله، علی (۱۴۰۲). «سرمایه سیاسی حکومت و هویت ملی؛ داده‌های پیش‌هشداردهنده در مورد ایران کنونی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۷۰، صص ۱۵۶-۱۰۹.
- گرگی، عباس (۱۳۸۵). «اینترنت و هویت»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲۵، صص ۶۹-۵۳.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۹). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۹۲). چیستی، تحول و چشم‌انداز دولت، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۴). «هویت و مجاز: تاثیر هویتی اینترنت»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲۴، صص ۱۲۳-۱۰۷.
- میرمحمدی، داود (۱۳۸۱). «جهانی شدن، ابعاد و رویکردها»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۱، صص ۸۴-۵۹.
- میرمحمدی، داود (۱۳۹۴). فضای مجازی و تحولات هویتی در ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- نظری، علی‌اشرف و سازمند، بهاره (۱۳۹۰). «مدل‌ها، الگوها و راهکارهای مدیریت تنوعات هویتی»، در: مجتبی مقصودی، نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- واترز، مالکوم (۱۳۷۹). جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

- Bannon, S.; McGlynn, T. ; McKenzie, K. & Quayle, E. (2015). "The positive role of Internet use for young people with additional support needs: Identity and connectedness", *Computers in Human Behavore*, No. 53, pp 504-514.
- Bauman, Z. (2001). "Identity in the Globalization World Culture", in Eliezer Ben-Rafael and Yitzhak Stereng, *Identity Culture and Globalization*, Boston: Brill.
- Brewer, M. & Masaki, Y. (2007). "Culture and Social Identity", in S.Kitayamma and Cohen, *Handbook of Cultural Psychology*, New York: The Gilford Press.
- Elkins, D. J. (1997). "Globalization, Telecommunication and Virtual Ethnic Communities", *Interational political Science Review*, Vol. 18, No. 2, pp 139-152.
- Kenny, M. (2004). *The Politics of Identity, Liberal Political Theory and the Dilemmas of Difference*, London: Blity prees.
- Pruthi, R. K. (2006). *Globalization and the new civilization*, New Dehli: Alfa.